

معمای «مرگ» از نگاه دانشمندان

یافته‌های تازه محققان نشان می‌دهد «تجربه‌های نزدیک به مرگ» توهم نیست.



یافته‌های تازه محققان نشان می‌دهد «تجربه‌های نزدیک به مرگ» توهم نیست. به گزارش ایسنا، روزنامه **جام جم** نوشت: «یک نور خیره کننده در انتهای یک دالان، گروهی از فرشتگان یا ارواحی که به آرامی حرکت می‌کنند و با آرامشی وصف ناپذیر شما را به سوی خود می‌خوانند و ... تمام لحظه‌های زندگی از جلوی چشمانت می‌گذرد. اینها روایت‌های مشابهی است و از کسانی می‌شنویم که «تجربه نزدیک به مرگ» را داشته‌اند. این روزها در ماه مبارک رمضان پخش برنامه «زندگی پس از زندگی» از شبکه چهار سیما همچون سال‌های گذشته بینندگان فراوانی دارد. با این حال از نظر علمی مفهوم تجربه نزدیک به مرگ یا ان دی ای (NDE سرواژه Near-death Experience) به خوبی تعریف نشده است. برای مثال اگر از یک متخصص مغز و اعصاب یا یک پزشک مراقبت‌های ویژه پرسید که تجربه نزدیک به مرگ چیست یا به چه معناست، این پرسش آنها را اندکی دستپاچه می‌کند یا به دلیل اختلاف نظرهای بسیار، این موضوع را بحثی پرمناقشه عنوان می‌کنند. آنها معمولا فقط می‌گویند که به تحقیقات بیشتری نیاز است. با این حال اخیرا گروهی از دانشمندان با تخصص‌های مختلف و از رشته‌های گوناگون، بیانیه مشترک جدیدی را در خصوص «مطالعه مرگ» منتشر کرده‌اند.

این مقاله که در سالنامه آکادمی علوم نیویورک منتشر شده، اولین بیانیه بررسی شده در مورد مطالعه علمی مرگ است. این تحقیق با هدف ارائه بینشی در مورد مکانیسم‌های بالقوه، پیامدهای اخلاقی، ملاحظات روش‌شناختی برای تحقیقات سیستماتیک و شناسایی مسائل و مناقشات در حوزه مرگ طراحی شده است.

این بیانیه در برهه‌ای حساس ارائه می‌شود، زیرا مرگ در قرن بیست و یکم با مرگ ۱۰۰ سال پیش یکسان نیست. آندرس سندبرگ، پژوهشگر موسسه آینده بشریت دانشگاه آکسفورد، می‌نویسد: مرگ غیر قابل برگشت به فناوری وابسته است. برای مدت طولانی، کمبود تنفس و نبض به عنوان نشانه‌های مرگ در نظر گرفته می‌شدند تا این که روش‌های احیا بهبود یافت. امروزه غرق شدگانی را که دچار هایپوترمی شدید، کمبود اکسیژن و کمبود نبض و تنفس برای چند ساعت هستند، می‌توان با برخی مداخلات پزشکی سنگین و تا حدودی شانس و اقبال زنده کرد. اگر روی میز جراح پیوند اعضا باشید، حتی نداشتن قلب هم دیگر عامل مرگ نیست.

گرچه سندبرگ در این مطالعه شرکت نداشته اما او به اصل موضوع اشاره می‌کند و می‌نویسد: پزشکی مدرن اساسا نحوه تفکر ما را در مورد مرگ تغییر داده است. ما به ناگهان دریافته‌ایم که چقدر کم و اندک در مورد این همگانی‌ترین بخش زندگی می‌دانیم.

نقاط مشترک این تجربیات

به طور کلی میانگین ماجرای تجربه نزدیک به مرگ ابتدا شامل احساس جدایی از بدن و داشتن حس هوشیاری و تشخیص مرگ است. سپس احساس سفر به مقصدی و به دنبال آن تحلیلی معنادار و هدفمند از اعمال، اهداف و افکار فرد نسبت به دیگران در طول زندگی اش روی می‌دهد. پس از آن و قبل از بازگشت به دنیای واقعی، فرد احساس می‌کند در جایی است که حس در خانه بودن را به او می‌دهد.

ممکن است چنین تجربیاتی بسیار متوهمانه به نظر برسد اما می‌دانیم تجربیات نزدیک به مرگ با توهمات یا تجربیات ناشی از مصرف مواد روانگردان شباهت زیادی ندارد. دکتر سام پرنیا که سال‌ها درباره تجربیات نزدیک به مرگ مطالعه کرده است، توضیح می‌دهد: آن‌چه مطالعه علمی مرگ را ممکن کرده این است که سلول‌های مغز در عرض چند دقیقه پس از کمبود اکسیژن، هنگامی که قلب متوقف می‌شود، به طور غیر قابل برگشتی آسیب نمی‌بینند. در عوض، آنها طی چند ساعت می‌میرند. این به دانشمندان اجازه می‌دهد تا رویدادهای فیزیولوژیکی و ذهنی را که در رابطه با مرگ اتفاق می‌افتد، به طور عینی مطالعه کنند. علم مدرن قبلا به ما بینشی در مورد برخی از این تجربه‌ها داده است: مطالعات الکتروانسفالوگرافی، به عنوان مثال، ظهور فعالیت گاما و میخ‌های الکتریکی (electrical spikes) در رابطه با مرگ را نشان می‌دهد؛ پدیده‌ای که معمولا با افزایش آگاهی همراه است. آیا این می‌تواند علت تشدید آگاهی و تشخیص مرگ در افراد در حال احتضار باشد؟ دکتر پرنیا و همکارانش امیدوارند با پژوهش‌های آتی، روزی پاسخ را به طور قطع دریایم.

وی گفت: مطالعات کمی به بررسی این موضوع پرداخته‌اند که وقتی ما می‌میریم به روشی عینی و علمی چه اتفاقی می‌افتد. مقاله ما بینش‌های جالبی در مورد چگونگی وجود آگاهی در انسان را ارائه می‌کند و ممکن است راه را برای تحقیقات بیشتر هموار کند.

دکتر سام پرنیا هنگام کار در بخش مراقبت‌های ویژه به جمع‌آوری شواهد بعضی از بیماران از تجربه نزدیک به مرگ هنگام مرگ بالینی پرداخت و سپس خود تحقیقاتی در این زمینه انجام داد و نتیجه تحقیقاتش را در کتابی به نام

What Happens When we Die منتشر کرد. این کتاب در سال ۱۳۸۴ با نام وقتی می‌میریم چه می‌شود؟ ترجمه شده است.

حاصل مطالعات گسترده دکتر پرنیا

دکتر سام پرنیا، پزشک بریتانیایی و مدیر تحقیقات مراقبت های ویژه و احیا در دانشکده پزشکی دانشگاه گروسمن نیویورک و نویسنده اصلی مقاله ای در مورد نتایج پژوهش در خصوص تجربه های نزدیک به مرگ است. وی معتقد است که بعد از ایست مغز و مرگ بالینی، آگاهی ادامه می یابد. او و همکارانش با بیش از ۳۵۰۰ مورد مواجه شده اند که نشان می دهد بعد از مرگ بالینی، آگاهی شان واضح بوده است. برخی از این افراد از ترس مسخره شدن از سوی دیگران مایل نیستند درباره تجربیات خود صحبت کنند.

دکتر پرنیا در این بیانیه توضیح داد: ایست قلبی یک حمله قلبی نیست. در عوض نشان دهنده مرحله نهایی یک بیماری یا رویدادی است که باعث مرگ فرد می شود. پیدایش روش احیای قلبی ریوی (CPR) به ما نشان داد که مرگ یک حالت مطلق نیست بلکه فرآیندی است که به طه، بالقوه می تواند در برخی افراد حتی پس از شش ماه آن معکوس شود. پژوهشگران خاطرنشان می کنند شواهد نشان می دهد در واقع نه فرآیندهای فیزیولوژیکی و نه فرآیندهای شناختی به نقطه مرگ ختم نمی شود و با آن که مطالعات علمی تاکنون قادر به اثبات واقعیت تجربه های نزدیک به مرگ نبوده اند، دانشمندان نمی توانند این تجارب را رد یا تکذیب کنند. این تجربیات که صدها هزار نفر از فرهنگ های مختلف در سراسر جهان ثبت کرده اند به طور مداوم از مضامین و قوس های روایی یکسان پیروی می کنند و این موضوع بسیار قابل توجهی است.